

## سنخیت میان همسران، تأملی در تفسیر آیه ۲۶ سوره نور

اسماعیل سلطانی بیرامی\*

### چکیده

یکی از اصول کلی موفقیت در ازدواج، همتا بودن زن و شوهر است که در برخی آیات از جمله آیه ۲۶ سوره نور بدان توصیه شده است در برخی رسانه‌ها شبهه اختلاف محتوای آیه نور با آیات ۱۰ و ۱۱ سوره تحریم مطرح شده است؛ چرا که در این آیات از همسنخ نبودن همسران حضرت نوح و لوط با آنان و نیز عدم سنخیت حضرت آسیه با فرعون سخن گفته شده است. مقاله حاضر با بررسی مفاد آیه ۲۶ نور به روش توصیفی تحلیلی، شبهه یادشده را پاسخ گفته و به این نتیجه رسیده است که دو احتمال کلی در مفاد آیه وجود دارد وجه انشایی و وجه خبری؛ بر اساس ادله و شواهد مقصود از خبثت در آیه، آلودگی جنسی است و مفهوم آیه در صورت انشایی بودن، بر نهی از ازدواج فرد مؤمن با فرد دارای خبثت از نوع آلودگی جنسی حمل می‌شود و همسران پیامبران این نوع آلودگی را نداشتند اما در صورت جمله خبری بودن آیه، سه احتمال در مفاد آن وجود دارد: گزارش سنخیت میان مردان و زنان در آخرت، گزارش سنخیت میان مردان و زنان در ازدواج‌ها، گزارش تناسب میان ناپاکان با یکدیگر و پاکان با همدیگر، از این سه احتمال، مورد اخیر متناسب با آیه است. البته در این صورت نیز ازدواج برخی پیامبران علیهم‌السلام با همسرانشان مورد نقضی بر آیه محسوب نمی‌شود.

### واژگان کلیدی

آیه ۲۶ نور، آیات ۱۰ و ۱۱ تحریم، هماهنگی آیات، طبییات، خبیثات.

### طرح مسئله

یکی از اصول کلی موفقیت در ازدواج، سنخیت و همتا بودن زن و شوهر است که در آیات متعددی بدان اشاره شده است، در برخی آیات از ازدواج با غیرهمتا و هم کفو در صورتی که یکی از زوجین مشرک و دیگری مؤمن باشد، نهی شده است: «وَلَا تُنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّىٰ يُؤْمِنَنَّ وَكَأَمَّةٌ مُّؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكَةٍ وَكَوْاْ أَعْيَبُكُمْ وَلَا تُنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا وَلَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكٍ...»<sup>۱</sup>. در برخی آیات نیز هر چند به صورت جمله خبری ولی در مقام جعل حکم تشریحی تحریمی مؤکد<sup>۲</sup> ازدواج فرد مؤمن با زناکار و مشرک مورد نهی واقع شده است: «الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَحَرَمَ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ»<sup>۳</sup>. همه آیات فوق در صورتی است که یکی از زوجین مشرک یا زناکار و دیگری مؤمن باشد اما در یک آیه به صورت قانون کلی می‌فرماید: «الْخَيْشَاتُ لِلْخَيْثِ وَالْخَيْثُونَ لِلْخَيْشَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ»<sup>۴</sup>. ظاهر آیه خبر از وقوع پیوند و ازدواج هم‌سنخ‌ها در عالم خارج است، بدین‌بین که زنان پلید با مردان پلید و مردان پلید با زنانی مانند خود ازدواج می‌کنند و همین رابطه میان پاکان نیز وجود دارد؛ یعنی زنان پاک با مردان پاک و مردان پاک با زنانی مانند خود ازدواج می‌کنند. برخی با هدف شبهه در هماهنگی و صدق آیات نورانی قرآن کریم، به ارائه نمونه‌هایی از موارد نقض این حکم کلی در آیات قرآن پرداخته و گفته‌اند: همسران حضرت نوح و حضرت لوط علیهم‌السلام با آنان که پاک‌ترین مردان زمان خود بودند، تناسبی نداشتند چنان‌که در آیه ۱۰ سوره تحریم می‌فرماید: «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَامْرَأَتَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحِينَ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّٰخِلِينَ» علاوه بر این چنان‌که در قصه همسر فرعون در آیه ۱۱ همین سوره وارد شده آسبیه بنت مزاحم فردی به تمام معنا مؤمن بوده و با فرعون که به تمام معنا کافر بوده ازدواج کرده است: «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ»<sup>۵</sup> آیه ۲۶ سوره نور، چه در صدد گزارش از ازدواج‌ها و پیوندهای انسانی واقع شده در عالم خارج باشد به این معنا که افراد ناپاک تنها با هم‌سنخ خود و پاکان با مشابه خود ازدواج می‌کنند، و چه در مقام نهی از

۱. بقره / ۲۲۱.

۲. طباطبایی، *المیزان*، ج ۱۵، ص ۷۹.

۳. نور / ۳.

۴. نور / ۲۶.

۵. نور / ۲۶.

ع. ر. ک: یوسف الامین، ([www.geocities.com/hidayatalmuslimoun](http://www.geocities.com/hidayatalmuslimoun)) صفحه کلام الحق فی الرد علی الاسلام،

*المتناقضات فی القرآن*، شبهه ۶۵

ازدواج با غیر هم‌سنخ باشد این شبهه جای طرح دارد؛ چرا که اگر آیه در صدد گزارش ازدواج هم‌سنخ‌ها در عالم خارج باشد، مثال‌های فوق‌الذکر را می‌توان موارد نقضی بر مفاد آیه با واقعیت خارجی دانست، همچنین که اگر آیه در مقام نهی از ازدواج با غیر هم‌سنخ باشد این سؤال جای طرح دارد که چرا پیامبران به این نهی عمل نکرده‌اند.

این مقاله درصدد آن است که با بررسی و نقد وجوه محتمل درباره آیه سوره نور و توصیف و تحلیل آنها شبهه مذکور را پاسخ دهد. برای فهم مراد الهی از آیه شریفه با پرسش‌های متعددی از این دست روبرو هستیم: موضوع آیه «الخبیثات» و «الطبیات» زنان و مردان ناپاک و پاک است یا سخنان، عقاید و رفتار ناپاک و پاک؟ آیا مفاد آیه انشایی است یا اخباری؟ در صورت انشایی بودن آیا مراد، بیان حکم ارشادی و رهنمون کردن افراد به زندگی پاک و ازدواج موفق با انتخاب همسر هم‌تا و هم‌سنخ است؟ یا حکم مولوی است و خداوند درصدد جعل حکم تکلیفی حرمت یا کراهت ازدواج با ناپاکان بوده و یا مقصود حق تعالی بیان بطلان ازدواج با ناپاکان است که از احکام شرعی وضعی است؟

در فرض اخباری بودن نیز این پرسش‌ها قابل طرح است که آیا آیه شریفه گزارشی از ازدواج‌های واقع‌شده بین انسان‌ها است؟ یا بیان یک صفت و گرایش درونی در انسان‌ها است؟ در هر صورت شبهه عدم سنخیت میان همسران پیامبران با ایشان چگونه توجیه می‌شود؟

در جستجو از پیشینه پژوهش در موضوع حاضر، برخی از تفاسیری که به شبهه یادشده توجه داشته‌اند «طبیات» و «خبیثات» را بر عقاید و افعال و سخنان حمل کرده‌اند و آیه را در ردیف آیه: «قُلْ كُلُّ يَمَعْلٍ عَلٰى شَاكِلَتِهٖ»<sup>۱</sup> دانسته‌اند؛ به این معنا که عقاید، افعال و گفتار پاک، تنها از پاکان صادر می‌شود و عکس آن نیز متناسب با ناپاکان است و آیه شریفه ارتباطی با همسران ندارد.<sup>۲</sup> برخی دیگر ضمن حمل آیه بر سنخیت میان همسران، عمومیت و کلیت قاعده را قبول نکرده و با بیان شواهدی از آیات، چهار دسته زن و شوهر را ذکر کرده‌اند: یک دسته هر دو پاکند، مانند: حضرت آدم و حوا؛ دسته دوم هر دو ناپاکند، مانند: ابولهب و همسرش ام‌جمیل؛ دسته سوم زن ناپاک همسر مردی پاک است، مانند: همسران نوح و لوط علیهم‌السلام و دسته چهارم زن پاک همسر مردی ناپاک است، مانند: آسیه و فرعون.

سپس «خبیثات» در آیه را به آلودگی جنسی حمل کرده و گفته است آنچه که در همسران دو پیامبر نوح و لوط اتفاق افتاده، از نوع آلودگی جنسی نبوده است، آنچه که بر انبیاء جایز نیست، امور نفرت‌انگیز مانند: کفر والدین و فسق (آلودگی جنسی) همسران است، ولی اگر نفرت‌انگیز نباشد، مانند: کفر اولاد و

۱. اسراء / ۸۴.

۲. ر. ک: صادقی تهرانی، *الفرقان*، ج ۲۱، ص ۹۰.

همسران و همچنین فسق از نوع غیر آلودگی جنسی همسران جایز است این مفسران به آیاتی مانند: «إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ»<sup>۱</sup> که صریح در کفر پسر نوح است و نیز آیه شریفه: «إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا»<sup>۲</sup> که دلالت بر فسق غیر جنسی دو همسر گرامی رسول خدا ﷺ دارد، شاهد آورده‌اند.<sup>۳</sup>

برخی تفاسیر نیز در بررسی شبهه مذکور به بیان دو نکته بسنده کرده‌اند:

اول اینکه مقصود از خبثت در آیه، آلودگی به اعمال منافی عفت است و آیه شریفه، زنان دامن‌آلوده را به مردانی هم‌سرخ خود اختصاص می‌دهد ولی آنچه که در همسران پیامبران بوده است، به‌طور قطع از نوع انحراف و آلودگی جنسی نبوده است؛

دوم اینکه همسران پیامبران در آغاز کار بی‌ایمان نبوده‌اند، گاه بعد از ازدواج به گمراهی کشیده می‌شدند، بنابراین سنخیت میان همسران در ابتدای امر وجود داشته است.<sup>۴</sup>

گرچه با بررسی تفاسیر مختلف قرآن ذیل آیه ۲۶ سوره نور می‌توان نکاتی را درباره پرسش اول و دوم یافت ولی مقاله‌ای که به تمام جوانب قضیه نظر داشته و به تحلیل مفاد آیه و بررسی احتمالات در آن پرداخته باشد، یافت نشد.

بررسی درست پرسش‌های مقاله و رسیدن به پاسخ صحیح شبهه مستلزم آن است که آیه مورد بحث هم از جهت موضوع (الخبیثات و الطبیات) مورد کنکاش قرار بگیرد و هم از جهت حکم (مولوی، ارشادی یا بیان سنخیت)، از این‌رو مقاله را در دو بخش؛ بررسی مفهوم الخبیثات و الطبیات در کتب لغت و مقصود از آن در آیه و سپس تحلیل و بررسی وجوه محتمل در مفاد آیه پی می‌گیریم.

## ۱. مفهوم‌شناسی

«الْخَبِيثَاتُ» جمع مونث از ماده «خبث» است؛ «خبث» در لغت خلاف طیب است، یعنی هر آنچه صدق ناپاکی می‌کند.<sup>۵</sup> راغب اصفهانی آن را به معنای هر امر مکروه و ناپسند دانسته، خواه کراهت حسی داشته باشد یا کراهت عقلی و غیر حسی.<sup>۶</sup> شیخ طبرسی نیز آن را دنائت و پلیدی دانسته که به انسان، کلام، طعام و غیر آن اطلاق می‌شود.<sup>۷</sup>

۱. هود / ۴۶.

۲. تحریم / ۴.

۳. ابن‌شهر آشوب، *مشابه القرآن*، ج ۱، ص ۲۰۶ - ۲۰۵.

۴. مکارم شیرازی، *تفسیر نمونه*، ج ۱۴، ص ۴۲۲.

۵. ابن‌فارس، *معجم مقاییس اللغة*، ج ۲، ص ۲۳۹؛ جوهری، *الصحاح*، ج ۱ ص ۲۸۱؛ فیومی، *المصباح المنیر*، ج ۲، ص ۱۶۲.

۶. راغب اصفهانی، *مفردات الفاظ القرآن*، ص ۲۷۲.

۷. طبرسی، *معجم البیان* ج ۲، ص ۶۵۵.

«الطیبات» جمع مونث از ماده «طیب» است. این ماده در لغت‌نامه‌ها به «خلاف خبیث» معنا شده است.<sup>۱</sup> برخی آن را به معنای هر آنچه باعث انبساط و گشایش روح می‌شود، دانسته‌اند؛<sup>۲</sup> برخی دیگر آن را به هر امر مورد پسند برای حواس و نفس و جان آدمی معنا کرده‌اند.<sup>۳</sup> به نظر می‌رسد اصل واحد در ماده «طیب» مطلوبی است که ناپاکی ظاهری و باطنی نداشته باشد و مقابل آن «خبیث» ناپسندی است که گونه‌ای ناپاکی اعم از ظاهری و باطنی در آن وجود داشته باشد؛ چنان‌که علامه طباطبایی، «طیب» را به معنای عاری بودن یک چیز از هر ناپاکی و ناخالصی دانسته و سخن طیب را کلامی می‌داند که از لغو و ستم و خشونت پاک باشد.<sup>۴</sup>

### مقصود از خبیث و طیب در آیه

با توجه به گستره معنایی «طیب» و «خبیث» که شامل عقاید، افعال، سخنان، اشیاء و نیز افراد می‌شود، سوآلی قابل طرح است و آن اینکه مقصود از «خبیثات» و همچنین «طیبات» در آیه مورد بحث کدام است؟ مفسران بیان‌های مختلفی در این زمینه دارند که در سه دیدگاه خلاصه می‌شود:

الف) مقصود از «الخبیثات» سخنان ناپاک مانند دروغ و تهمت است که به افراد ناپاک و آلوده (الخبیثین) تعلق دارد و از آنان سر می‌زند و همچنین مقصود از «الطیبات» سخنان پاک مانند راستگویی است که با افراد پاک و با تقوا (الطیبین) تناسب دارد؛ چنانچه هرگاه از مرد پاک و درستکاری سخن زشتی به گوش رسد، گفته می‌شود از او نیست؛ چون با خوی او سازش و تناسب ندارد.<sup>۵</sup> طبق این بیان آیه در ردیف آیه: «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَيَّ شَاكِلَةً» است<sup>۶</sup>

ب) برخی مفسران با توسعه در معنای «الخبیثات» آن را فراتر از سخنان ناپاک دانسته و شامل عقاید و اعمال بد و ناپسند نیز دانسته‌اند. بنابراین مقصود آیه این است که کلمات ناپاک و همچنین عقاید و اعمال بد و ناپسند به غیر مؤمنان منسوب است چه از آنان سربرزند یا درباره آنان گفته شود یا به آنان نسبت داده شود و به عکس سخنان، عقاید و افعال پاک با مؤمنان تناسب دارد.<sup>۷</sup>

ج) «الخبیثات» اشاره به زنان ناپاک و مقصود از «الخبیثون» مردان ناپاک است و به عکس

۱. ابن فارس، *معجم مقاییس اللغة*، ج ۳ ص ۴۳۵؛ ابن‌درید، *جمهرة اللغة*، ج ۳ ص ۱۲۹۳؛ الجوهری، *الصحاح*، ج ۱ ص ۱۳۳.

۲. فیومی، *المصباح المنیر*، ج ۲ ص ۲۸۲.

۳. راغب اصفهانی، *مفردات الفاظ القرآن*، ص ۵۲۷.

۴. طباطبایی، *المیزان*، ج ۱۲، ص ۲۳۶.

۵. ر. ک: طبرسی، *معجم البیان*، ج ۷، ص ۲۱۲؛ زمخشری، *الکشاف*، ج ۳، ص ۲۲۵.

۶. رازی، *روض الجنان و روح الجنان*، ج ۱۴، ص ۱۱۵.

۷. ر. ک: طبرسی، *معجم البیان*، ج ۷، ص ۲۱۳؛ صادقی‌تهرانی، *الفرقان*، ج ۲۱ ص ۸۹.

«الطبیات» و «الطیبون» به زنان و مردان پاک اشاره دارد.<sup>۱</sup> طبق این بیان آیه در ردیف آیه: «الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَحُرْمٌ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ»<sup>۲</sup> است و بیان می‌کند که زنان ناپاک، لایق مردان ناپاک و به عکس پاکان لایق یکدیگرند<sup>۳</sup>

#### بررسی

حمل «الخبیثات» بر سخنان، عقاید یا افعال ناپاک و ناشایست و حمل «الطبیات» بر سخنان، عقاید و افعال پاک از نگاه تجربیدی و انتزاعی به آیه نشئت گرفته که نه تنها قرینه‌ای بر آن وجود ندارد بلکه همه قراین بر خلاف آن است، احتمالی که شواهد درونی آیه با آن توافق دارد، وجه سوم است؛ چرا که اولاً، سیاق آیات با زنان و مردان تناسب دارد، جمله: «أَوْلَئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ» قرینه است بر اینکه حمل خبیثات و طبیات بر عقاید، افعال و سخنان صحیح نیست؛ زیرا اسم اشاره «اولئک» که در جمع مذکر و مونث عاقل کاربرد دارد، اشاره به طبیات و طیبون از انسان‌ها دارد و مضمون این فراز آن است که اگر کسی طیب باشد (اعم از زن و مرد) از نسبت‌های ناروایی که مردم درباره وی بدون اقامه هیچ شاهدی می‌گویند، مبرا هستند وقتی مقصود از «الطبیات» زنان پاک باشد، به قرینه مقابله مقصود از «الخبیثات» نیز زنان ناپاک خواهد بود.<sup>۴</sup>

ثانیاً، اگر مقصود از طبیات، در «الطَّبِیَّاتُ لِلطَّبِیِّیْنَ» سخنان باشد، معنای آیه این خواهد بود که سخنان پاک متناسب با افراد پاک است، در این صورت آوردن جمله: «أَوْلَئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ» لغو و تکرار خواهد بود؛ زیرا محتوای این فراز آیه این است که مردان و زنان پاک از اتهام‌های ناروایی که ناپاکان درباره آنان می‌گویند مبرا هستند.

ثالثاً، در روایتی از امام باقر و امام صادق علیهما السلام به این مطلب تصریح شده است که مقصود از «خبیثات» زنان ناپاک است که به «خبیثین» یعنی مردان ناپاک اختصاص دارد و مقصود از «خبیثون» مردان ناپاک است که به «خبیثات» یعنی زنان ناپاک اختصاص دارد و مقصود از «طبیات» زنان پاک است که به مردان پاک و به عکس «طیبون» مردان پاک هستند که به «طبیات» از زنان اختصاص دارند و این آیه همانند آیه: «الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً» است. در آن زمان برخی از مسلمانان قصد داشتند با زنان آلوده

۱. طبرسی، مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۱۳؛ طباطبایی، المیزان، ج ۱۵، ص ۹۶.

۲. نور / ۳.

۳. رازی، روح الجنان و روح الجنان، ج ۱۴، ص ۱۱۶.

۴. ر. ک: طباطبایی، المیزان، ج ۱۵، ص ۹۵.

ازدواج کنند که خداوند آنان را از این کار باز داشت و آن را کاری ناپسند شمرد.<sup>۱</sup> این خود نشان می‌دهد که «خبیثات» و «طبیات» اشاره به زنان ناپاک و پاک دارد و ارتباطی با عقاید و اعمال یا سخنان ندارد. نتیجه‌ای که از بررسی مفهوم واژگان آیه و نیز احتمالات در مقصود از «الخبیثات» و «الطبیات» در آیه به دست آمد، این است که موضوع آیه (الخبیثات و الطبیات) زنان ناپاک و پاک است و آیه ارتباطی با عقاید، افعال و سخنان ندارد، چنان‌که علامه طباطبایی نیز «خبیثات و خبیثین» و «طبیات و طیبین» را مردان و زنان متصف به خباثت و طهارت دانسته و آیه را متمم آیات افک و متصل به سیاق آنها می‌داند.<sup>۲</sup>

## ۲. وجوه محتمل در مفاد آیه و پاسخ شبهه

وجوه محتمل در آیه به دو وجه کلی انشائی و اخباری تقسیم می‌شود:

### یک. وجه انشایی

شکی نیست که آیه شریفه به شکل جمله خبری است، ولی از آنجا که گاهی جمله خبری در موضع انشا به کار می‌رود، یکی از احتمالات در آیه حمل آن بر جمله انشایی است و وجه انشایی نیز به دو گونه قابل تصور است.

### الف) حکم مولوی تکلیفی

حکم مولوی، حکمی است که به انگیزه برانگیختن و اادار کردن مکلف بر فعلی که بدان امر شده یا بر ترک فعلی که از آن نهی شده از سوی شارع مقدس صادر می‌گردد، مانند امر به نماز و نهی از غیبت کردن. سه نوع حکم مولوی تکلیفی درمحل بحث قابل تصور است که عبارتند از: ۱. حرمت ازدواج پاکان با ناپاکان و خبیثان؛ ۲. کراهت چنین ازدواجی؛ ۳. استحباب ازدواج پاکان با یکدیگر - زیرا واجب نبودن ازدواج پاکان با یکدیگر در فقه روشن است - یعنی آیه شریفه مؤمنان پاک، چه مرد و چه زن را از ازدواج با ناپاکان (به نحو حرمت یا کراهت) باز می‌دارد: «الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ» و مردان و زنان پاک را به ازدواج با یکدیگر (به نحو استحباب) تشویق می‌کند: «وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ».<sup>۳</sup>

در روایتی از امام باقر و امام صادق علیهما السلام آمده است: این آیه همانند آیه: «الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً» است در آن زمان برخی از مسلمانان قصد داشتند با زنان دامن آلوده ازدواج کنند که خداوند با جمله

۱. طبرسی، *مجمع البیان*، ج ۷، ص ۲۱۳؛ بحرانی، *البرهان*، ج ۴، ص ۵۷.

۲. طباطبایی، *المیزان*، ج ۱۵، ص ۹۵.

۳. فاضل مقداد، *کنز العرفان*، ج ۲، ص ۲۲۸؛ شبیری زنجانی، *التکاح*، ج ۷، ص ۲۰۶۹.

خبری ولی در مقام جعل حکم تشریحی تحریمی مؤکد<sup>۱</sup> آنان را از این کار باز داشت و آن را کاری ناپسند شمرد.<sup>۲</sup> چنان که طبق گفته برخی فقها، ازدواج با زنی که به زنا شهرت یافته و از این کار توبه نکرده باشد، حرام است.<sup>۳</sup>

### ب) حکم ارشادی

مراد از حکم ارشادی در برابر حکم مولوی، حکمی است که نه به انگیزه برانگیختن و وادار کردن مکلف بر فعلی که بدان امر شده یا بر ترک فعلی که از آن نهی شده، بلکه صرفاً به انگیزه ارشاد و هدایت او به مصلحت یا مفسده در امور یادشده از سوی شارع مقدس صادر می‌گردد، مانند اوامر و نواهی پزشک نسبت به بیمار.<sup>۴</sup> بنابراین حکم ارشادی امتثال و ثواب و عقاب مستقلاً ندارد و در واقع مخاطب را به موضوع دیگری راهنمایی می‌کند؛ خواه آن موضوع امری عقلی، نکته‌ای عقلایی، حکم شرعی دیگر، ترتب آثار خاص مترتب بر یک عمل خاص و یا دیگر چیزها باشد. طبق این احتمال، جمله خبری «الخبیثات للخبیثین و...» از باب خبر در موضع انشاء است و نهی الهی از ازدواج پاکان با ناپاکان و امر به ازدواج طیبین و طیبات، در واقع ارشاد به یک نکته اخلاقی و بیان رمز موفقیت در امر ازدواج و بهره‌مندی از یک زندگی مطلوب است.<sup>۵</sup>

### بررسی

حمل آیه بر توصیه از نوع حکم مولوی و اراده حکم تکلیفی منع (حرمت یا کراهت) از ازدواج انسان‌های پاک با ناپاکان، آیه را همسان و هم‌ردیف آیه: «الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ» قرار خواهد داد، افزون بر اینکه اثبات چنین معنایی، نیازمند بحث فقهی و تفسیری مفصل‌تری پیرامون هر دو آیه دارد که از هدف این مقاله بیرون است، با توجه به ذمراتب بودن خبثات و طهارت، این سؤال باقی می‌ماند که چه نوع خبثاتی مورد نهی واقع شده است؟ آیا منظور از خبیث بودن این دسته از مردان و زنان یا طیب بودن آنها همان جنبه‌های عفت و ناموسی است؟ یا هرگونه ناپاکی فکری و عملی و زبانی را شامل می‌شود؟

اگر آیه بر حکم ارشادی حمل شود، مفاد آن با اخبار از سنخیت افراد که در وجه خبری بیان خواهد شد،

۱. طباطبایی، *المیزان*، ج ۱۵ ص ۷۹.

۲. بحرانی، *البرهان*، ج ۴، ص ۵۷؛ طبرسی، *مجمع البیان*، ج ۷، ص ۲۱۳.

۳. خوئی، *منهاج الصالحین*، ج ۲ ص ۲۶۶.

۴. جمعی از پژوهشگران، *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت*، ج ۳، ص ۳۵۱.

۵. کرمی خویزی، *التفسیر لکتاب الله المنیر*، ج ۶ ص ۱۰۱؛ اشتهااردی، *مدارک العروه*، ج ۲۹، ص ۵۲.



بسیار نزدیک خواهد بود؛ با این توضیح که در اخبار از سنخیت سخن از این است که فرد پاک با فرد پاکی همانند خود سنخیت دارد و فرد ناپاک نیز با فردی همانند خویش سنخیت دارد. البته در اخبار از سنخیت هیچ توصیه‌ای دیده نمی‌شود، ولی در حکم ارشادی همانند دستور طیب به گونه‌ای توصیه وجود دارد.

#### پاسخ شبهه بر اساس حکم مولوی یا ارشادی بودن آیه

اگر آیه بر حکم مولوی یا ارشادی حمل شود این سؤال جای طرح دارد که چرا برخی انبیای الهی مانند حضرت نوح و لوط و برخی امامان علیهم‌السلام به این نهی عمل نکرده‌اند؟

پاسخ سؤال را می‌توان در سیاق آیه و قراین دیگر جستجو کرد گرچه مقصود از واژگان «طبیات» و «خبیثات» زنان متصف به خبثات و طهارت است و خبثات و طهارت اطلاق دارد و هرگونه خبثات و طهارتی را شامل می‌شود ولی اگر سیاق آیات و روایاتی را که در تفسیر آن آمده در نظر بگیریم، مفهوم آیه بر نهی از ازدواج با فرد دارای خبثات از نوع آلودگی جنسی و دامن قابل حمل است نه هر نوع آلودگی چرا که: اولاً این آیه در ذیل آیات افک، در سیاق آن و متصل به آن نازل شده که مربوط به اتهام آلودگی جنسی به یکی از همسران پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بود؛<sup>۱</sup> ثانیاً، براساس روایتی که در تفسیر این آیه در سطور بالا گذشت، حمل آیه بر آلودگی جنسی تأیید می‌شود. طبق این بیان، ازدواج با زنان آلوده حداقل در مواردی که مشهور و معروف به عمل منافی عفتند به حکم شرعی یا ارشادی ممنوع است ولی آنچه که در برخی پیامبران و امامان علیهم‌السلام واقع شده، هیچ گزارشی درخصوص آلودگی جنسی همسران آنان نرسیده است بلکه آنچه مسلم است اینکه هیچ‌یک از همسران پیامبران و امامان به‌طور قطع انحراف و آلودگی جنسی نداشته‌اند؛

ثالثاً، بر اساس ادله عقلی و نقلی امور نفرت‌انگیز، مانند: کفر والدین و فسق از نوع جنسی همسران بر انبیا و ائمه جایز نیست ولی اگر نفرت‌انگیز نباشد، مانند کفر اولاد و کفر و فسق غیر جنسی همسران بر آنان، ممکن است شاهد اینکه در آیه ۴۶ سوره هود راجع به پسر نوح علیه‌السلام می‌فرماید: «إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ» و در آیه ۴ تحریم از گناه و فسق غیر جنسی دو همسر حضرت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم خبر داده و می‌فرماید: «إِنَّ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا» دعوت به توبه در این آیه نشانگر آن است که گناهی از آنان سرزده بود.<sup>۲</sup>

بر فرض اینکه نهی از ازدواج با ناپاکان شامل آلودگی غیر جنسی باشد و هر نوع ناپاکی فکری و عملی و زبانی را شامل شود. در این صورت نیز ایرادی متوجه پیامبران نمی‌شود؛ زیرا همسران پیامبران در هنگام ازدواج بی‌ایمان نبوده‌اند گاه بعداً به تطمیع عده‌ای به گمراهی کشیده می‌شدند مسلماً پیامبران نیز روابط خود را مانند سابق با آنها ادامه نمی‌دادند، شاهد آن، آیه دهم سوره تحریم است که می‌فرماید:

۱. صادقی تهرانی، ترجمان فرقان. ج ۳، ص ۴۳۴.

۲. ر. ک: ابن شهر آشوب، متشابه القرآن و مختلفه، ج ۱، ص ۲۰۶.

«ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَامْرَأَتَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحِينَ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغَيِّبَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّاخِلِينَ» «خان» به معنای نقصان و فاء است، خیانت به معنای مخالفت نهانی با حقی از حقایق و شکستن پیمان آن است.<sup>۱</sup> خیانت در امانت به معنای تعدی کردن در امانت است.<sup>۲</sup> خائن به کسی می‌گویند که در آنچه امین قرار داده شده نقصانی وارد کند. بر این اساس همسران دو پیامبر یادشده بر اموری متعهد شده بودند ولی به تعهد و وظیفه‌ای که به عهده داشتند، عمل نکردند.<sup>۳</sup> یا در داستان تحریم (سوره تحریم)، یکی از همسران پیامبر اسلام ﷺ راز پیامبر را نگه نداشت و به همسر دیگر خبر داد و به اصطلاح رازداری نکرد و خداوند پس از آگاه کردن پیامبر از این افشای سر، روی سخن را به این دو همسر که در توطئه دست داشتند کرده می‌فرماید: «اگر شما از کار خود توبه کنید، و دست از آزار پیامبر ﷺ بردارید به سود شما است؛ زیرا دل‌های شما با این عمل از حق منحرف گشته، و به گناه آلوده شده است: إِنَّ تَوْبًا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَعَتْ قُلُوبُكُمْ». <sup>۴</sup> چنان که مشاهده می‌شود در همه همسران پیامبران، عمل نکردن به تعهد و خیانت در امانت در ابتدای امر نبوده است.

## دو. وجه اخباری

مقصود از وجه اخباری آن است که آیه شریفه در مقام صدور حکم و دستور نیست، بلکه در صدد بیان یک حقیقت است و آن اینکه همواره نوعی تناسب و سنخیت میان انسان‌ها وجود دارد فرد پاک با فرد پاکی همانند خود سنخیت دارد و فرد ناپاک نیز با فردی همانند خویش سنخیت دارد. دانشمندانی که این وجه را پذیرفته‌اند در اینکه چه مطلبی در آیه خبر داده شده هم‌داستان نیستند؛ برخی آن را حاکی از سنخیت انسان‌ها در آخرت دانسته‌اند؛ برخی دیگر بر گزارش از ازدواج و پیوند میان افراد حمل کرده‌اند و برخی دیگر آن را بر اخبار از سنخیت بدون توجه به ازدواج‌ها حمل نموده‌اند که در ذیل به بررسی آنها پرداخته می‌شود.

## الف) بیان سنخیت میان مردان و زنان در آخرت

بر اساس این احتمال، خدای متعال از سنخیت، اختصاص و ملازمت مردان و زنان پاک در آخرت خبر می‌دهد، همان‌گونه که مردان و زنان ناپاک در دنیا ملازم یکدیگرند در قیامت نیز همراه یکدیگرند. باورمند به این دیدگاه جمله «يَوْمَئِذٍ يُؤْفِكُهُمُ اللَّهُ دِينَهُمُ الْحَقَّ» در آیه ۲۵ همین سوره و همچنین جمله

۱. راغب اصفهانی، *مفردات الفاظ القرآن*، ص ۳۰۵.

۲. فیومی، *المصباح المنیر*، ج ۲، ص ۱۸۴.

۳. مکارم شیرازی، *تفسیر نمونه*، ج ۱۴، ص ۴۲۳.

۴. تحریم / ۴.

«لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ» در آیه محل بحث را که در سیاق آیات مربوط به آخرت است، قرینه و شاهی بر این مدعا دانسته است، چرا که انسان‌های پاک در آخرت با پاکان محشور می‌شوند، همچنان‌که آموزش و روزی با کرامت نیز در قیامت به انسان‌های پاک عنایت می‌شود ولی در دنیا ممکن است ناپاکان از آن پاکان باشند و با ایشان امتحان شوند، مانند: همسر حضرت نوح و حضرت لوط علیهما السلام.<sup>۱</sup>

### بررسی

حمل سنخیت مورد نظر در آیه بر سنخیت میان مردان و زنان در آخرت نیازمند قرینه است اما در مورد دو قرینه مورد ادعا باید گفت گرچه جمله «يَوْمَئِذٍ يُؤْفِكُهُمُ اللَّهُ دِينَهُمُ الْحَقَّ» مربوط به آخرت است ولی دو احتمال در مورد این فراز وجود دارد؛ بر اساس یک احتمال این جمله ذیل آیات پیشین است و بیان می‌دارد که در روز قیامت خداوند، پاداش و کیفر انسان‌ها را به تمام و کمال خواهد داد. بنابراین ارتباطی با آیه محل بحث ندارد، چنان‌که علامه طباطبایی نیز آیه را در سیاق آیات قبلی و متصل به آنها دانسته است.<sup>۲</sup> احتمال دوم این است که آیه شریفه را مستقل بدانیم در این صورت دین به معنای آیین و سنت زندگی است و معنای آیه این است که روز قیامت روز ظهور حقایق و از جمله آیین حق برای بشریت است. به هر حال این قید ارتباطی با آیه محل بحث ندارد، اما قید «لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ» گرچه ذیل آیه محل بحث است و بیان می‌دارد که مغفرت و روزی با کرامت (زندگی پاک در دنیا و پاداش نیکو در آخرت) مشمول پاکان از زنان و مردان است ولی ارتباطی به اختصاص هر یک از پاکان و ناپاکان به دیگری در آخرت ندارد.<sup>۳</sup>

### ب) بیان سنخیت ناظر به ازدواج‌ها

طبق این دیدگاه گرچه آیه شریفه در جریان افک نازل شده است ولی بیانگر یک مطلب کلی است و آن اینکه خداوند از وقوع پیوند و ازدواج هم‌سنخ‌ها در عالم خارج و در دنیا خبر می‌دهد، بدین بیان که زنان پلید بر اساس شاکله و ذات و سرشت خویش با مردان پلید و مردان پلید با زنانی مانند خود ازدواج می‌کنند و همین رابطه میان پاکان نیز وجود دارد، یعنی زنان پاک با مردان پاک و مردان پاک با زنانی مانند خود ازدواج می‌کنند. برخی مفسران این وجه را یکی از احتمالات در آیه می‌دانند.<sup>۴</sup>

۱. ر. ک: جرجانی، *جلاء الافهان و جلاء الاحزان*، ج ۶، ص ۲۹۵.

۲. طباطبایی، *المیزان*، ج ۱۵، ص ۹۵.

۳. طبرسی، *مجمع البیان*، ج ۷، ص ۲۱۳.

۴. زمخشری، *الکشاف*، ج ۳، ص ۲۲۵؛ قرطبی، *الجامع لأحكام القرآن*، ج ۱۲، ص ۲۱۱؛ فضل‌الله، *من وحی القرآن*، ج ۱۶، ص ۲۷۹.

## بررسی

اولاً دلیلی بر حمل آیه بر سنخیت در ازدواج‌ها وجود ندارد و موضوع آیات ازدواج نیست؛ ثانیاً بر فرض حمل آیه بر سنخیت در ازدواج‌ها اگر وجه مذکور به نحو موجه کلیه مطرح شود، نه تنها در میان مفسران هیچ قائلی ندارد بلکه آنچه در عالم خارج اتفاق می‌افتد نیز خلاف این را ثابت می‌کند؛ زیرا چه بسا انسان‌های پاکی به همسران ناپاکی مبتلا می‌شوند و یا زنان ناپاکی با مردان پاک ازدواج می‌کنند<sup>۱</sup> ولی اگر وجه مذکور در آیه را بر وجه غالب در ازدواج‌ها حمل کنیم به این معنا که در غالب ازدواج‌ها سنخیت میان همسران وجود دارد، گرچه در کلمات برخی از علما به این احتمال اشاره شده است.<sup>۲</sup> در اغلب ازدواج‌ها نیز تناسب و سنخیت میان همسران مشاهده می‌شود ولی با کلیتی که در آیه طرح شده، سازگاری ندارد. بنابراین حمل آیه بر بیان سنخیت ازدواج‌ها، صحیح نمی‌باشد. البته برخی مفسران برای حل مشکل کلیت، آیه را بر شأن حمل کرده‌اند به این معنا که شأن زن خبیث و ناپاک این است که با مرد ناپاکی مانند خود ازدواج کند و به‌عکس شأن مرد ناپاک، ازدواج با زنی مانند خود است و این شأنیت در پاکان نیز جریان دارد<sup>۳</sup> گرچه با این بیان ایراد کلیت آیه که بر وجه قبلی وارد بود، حل می‌شود ولی دلیلی از آیه بر این حمل وجود ندارد.

## ج) بیان سنخیت میان مردان و زنان

یکی دیگر از احتمالات مطرح در مفاد آیه آن است که خدای متعال این حقیقت را موکداً بیان می‌دارد که زنان ناپاک با مردان ناپاک تناسب دارند و زنان پاک مناسب با مردان پاک هستند. بنابراین آیه شریفه بیانگر نوعی هماهنگی واقعی و ذاتی بین دو نفر است و این‌گونه نیست که هرکس با دیگری تناسب و سنخیت داشته باشد. البته پاکی اطلاق دارد و پاکی در عقیده، اخلاق، اعمال و سخنان را شامل می‌شود. طبق این احتمال مفاد آیه این است که زنان و مردان کج عقیده و دارای ردائل اخلاقی و رفتارهای ناهنجار با یکدیگر سنخیت و تناسب دارند و از سوی دیگر زنان و مردان دارای عقاید و اخلاقیات و اعمال پاک و شایسته نیز متناسب با یکدیگرند. بر این اساس، آیه در مقام تشریح و قانون‌گذاری و حتی توصیه نیست بلکه در صدد تأکید بر یک درک عقلی و عقلایی است و جنبه تنبیه و تذکر دارد.<sup>۴</sup> برخی قرآن‌پژوهان نیز مشابه همین سخن را تکرار کرده‌اند، اما سنخیت را در گرایش و میل دانسته‌اند؛ بدین‌معنا

۱. فضل‌الله، *من وحی القرآن*، ج ۱۶، ص ۲۷۹.

۲. مجلسی، *مرآة العقول*، ج ۷، ص ۱۹۹.

۳. زحیلی، *التفسیر المنیر*، ج ۱۸، ص ۱۹۶.

۴. نجفی، *جواهر الكلام*، ج ۲۹ ص ۴۴۲؛ جوادی آملی، *تفسیر تسنیم*، ج ۵۹، ص ۵۶۴.

که آنچه آیه خیر داده یک امر درونی انسانی است. در درون هر کسی گرایش و جاذبه‌ای وجود دارد، زنان ناشایست و ناپاک به ناپاکان از مردان رغبت دارند؛ یعنی طبع ایشان از حیث خباثت بدان مایل است و مشابه همین رابطه میان مردان و زنان پاک نیز وجود دارد؛ یعنی زنان و مردان پاک در اثر سنخیت اعتقادی، اخلاقی و رفتاری، به‌طور طبیعی به یکدیگر میل و گرایش دارند.<sup>۱</sup>

تفاوت این وجه با بیان پیشین در مورد سنخیت و تناسب زنان و مردان پاک این است که در واقع وجه حاضر نتیجه و حاصل آن سنخیت و تناسب است و در وجه پیشین هیچ‌گونه نظری به گرایش و میل به‌عنوان یک وصف نفسانی وجود نداشت بلکه صرفاً سنخیت و تناسب میان انسان‌ها را مطرح می‌کرد، ولی وجه اخیر سنخیت را نسبت به امیال دانسته است که معلول بینش‌ها، باورها و خلقیات افراد است. بنابراین وقتی مفاد آیه ناظر به ازدواج نباشد، ازدواج حضرت نوح و لوط علیهم‌السلام با همسرانشان و همچنین ازدواج حضرت آسیه با همسرش، مورد نقضی بر آیه محسوب نمی‌شود، بلکه بنابراین احتمال، نهایتاً آیه شریفه از یک تناسب اعتقادی، اخلاقی، رفتاری و گرایشی میان افراد خیر می‌دهد.

## نتیجه

واژه «خبیث» بر هر امر مکروه و ناپسند؛ اعم از عقلی و حسی اطلاق می‌شود و در نقطه مقابل آن «طیب» هر امر مورد پسند برای حواس و نفس و جان آدمی را شامل می‌شود. گرچه گستره معنایی طیب و خبیث شامل عقاید، افعال، سخنان، اشیاء و نیز افراد می‌شود ولی مقصود از «الخبیثات» در آیه، زنان ناپاک و مقصود از «الخبیثون» مردان ناپاک است و به عکس «الطیبات» و «الطیبون» به زنان و مردان پاک اشاره دارد.

در آیه ۲۶ سوره نور دو وجه کلی انشائی و اخباری محتمل است اگر آیه بر وجه انشایی حمل شود یا در مقام جعل حکم مولوی تکلیفی (حرمت یا کراهت ازدواج پاکان با ناپاکان) است یا به حکم ارشادی در این زمینه اشاره دارد.

در پاسخ به این سؤال که چرا برخی انبیای الهی، مانند: حضرت نوح و لوط و برخی امامان علیهم‌السلام به این نهمی عمل نکرده‌اند؟ می‌توان گفت: گرچه مقصود از واژگان «خبیثات» و «طیبات» زنان متصف به خباثت و طهارت است ولی بر اساس ادله و شواهد، مقصود از خباثت در آیه، آلودگی جنسی است و مفهوم آیه بر نهمی از ازدواج با فرد دارای خباثت از این نوع آلودگی حمل می‌شود ولی آنچه که در برخی پیامبران و امامان علیهم‌السلام واقع شده، آلودگی از نوع جنسی نبوده است.

۱. ر. ک: سبزواری، *ارشاد الاذهان*، ص ۳۵۷؛ حسینی شاه عبدالعظیمی، *تفسیر اثنی‌عشری*، ج ۹، ص ۲۲۲.

بر فرض اینکه نهی از ازدواج با ناپاکان شامل آلودگی غیر جنسی باشد، ایرادی متوجه پیامبران نمی‌شود؛ زیرا همسران پیامبران در هنگام ازدواج بی‌ایمان نبوده‌اند، گاه بعداً به تطمیع عده‌ای به گمراهی کشیده می‌شدند.

اما در صورت جمله خبری بودن آیه، سه احتمال وجود دارد: احتمال اول و دوم؛ یعنی گزارش سنخیت میان مردان و زنان در آخرت و نیز گزارش سنخیت میان مردان و زنان در ازدواج‌ها در دنیا، به دلیل نداشتن قرینه، قابل پذیرش نیست اما احتمال سوم؛ یعنی گزارش تناسب زنان ناپاک با مردان ناپاک و نیز تناسب زنان پاک با مردان مانند خود، یکی از احتمالات مورد پذیرش در آیه است. البته در این صورت نیز ازدواج برخی پیامبران علیهم‌السلام با همسرانشان مورد نقضی بر آیه محسوب نمی‌شود.

## منابع و مأخذ

### قرآن کریم.

- ابن درید، محمد بن حسن، *جمهرة اللغة*، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۹۸۷ م.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، *مشابه القرآن و مختلفه*، قم، بیدار، ۱۳۶۹ ش.
- ابن فارس، احمد، *معجم مقاییس اللغة*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۴ ق.
- اشتهاردی، علی پناه، *مدارک العروة*، تهران، دار الاسوة، ۱۴۱۷ ق.
- بحرانی، سید هاشم، *البرهان فی تفسیر القرآن*، تهران، بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ ق.
- جرجانی، حسین بن حسن، *جلاء الالذهان و جلاء الاحزان*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ ق.
- جمعی از پژوهشگران تحت اشراف سید محمود هاشمی شاهرودی، *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم‌السلام*، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی، ۱۴۲۶ ق.
- جوادی آملی، عبدالله، *تفسیر تسنیم*، قم، اسراء، ۱۳۸۶ ش.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، *الصحاح*، بیروت، دار العلم للملایین، چ ۴، ۱۴۰۷ ق.
- حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، *تفسیر اثنی عشری*، تهران، میقات، ۱۳۶۳ ق.
- خویی، ابوالقاسم، *منهاج الصالحین*، کویت، دار البلاغة، ۱۴۱۲ ق.
- رازی، ابوالفتوح حسین بن علی، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، با تصحیح محمدجعفر یاحقی، مشهد مقدس، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ ق.
- راغب اصفهانی، حسین، *مفردات الفاظ القرآن*، دمشق، دار الشامیه، ۱۴۱۲ ق.
- زحیلی، وهبه، *التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج*، دمشق، دار الفکر، ۱۴۱۱ ق.

- زمخشری، محمود بن عمر، *الكشاف*، بیروت، دار الکتب العربی، چ ۳، ۱۴۰۷ ق.
- سبزواری، محمد، *ارشاد الاذهان الی تفسیر القرآن*، بیروت، دار التعارف، ۱۴۱۹ ق.
- شبیری زنجانی، موسی، *النکاح*، قم، مؤسسه پژوهشی رأی پرداز، ۱۴۱۹ ق.
- صادقی تهرانی، محمد، *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن والسنة*، قم، فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۶ ق.
- صادقی تهرانی، محمد، *ترجمان فرقان، تفسیر مختصر قرآن کریم*، قم، شکرانه، ۱۳۸۸ ش.
- طباطبایی، سید محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۳۹۰ ش.
- طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان لعلوم القرآن*، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ق.
- فاضل مقداد، *کنز العرفان فی فقه القرآن*، قم، مرتضوی، ۱۴۲۵ ق.
- فضل الله، سید محمدحسین، *من وحی القرآن*، بیروت، دار الملائک، ۱۴۱۹ ق.
- فیومی، احمد بن محمد، *المصباح المنیر فی غریب شرح الکبیر*، قم، دار الرضی، بی تا.
- قرطبی، محمد بن احمد، *الجامع لأحكام القرآن*، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۶۴ ش.
- کرمی حویزی، محمد، *التفسیر لکتاب الله المنیر*، قم، چاپخانه علمیه، ۱۴۰۲ ق.
- مجلسی، محمدباقر، *مرآة العقول فی شرح اخبار الرسول*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۴ ق.
- مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
- نجفی، محمدحسن، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
- یوسف الامین، صفحه کلام الحق فی الرد علی الاسلام، *المتناقضات فی القرآن*.

